

اسلام و شمشیر

برگرفته شده از سایت حق و صبر

بخش سوم

زمان ترک تعارفات فرا رسیده و بر صاحبان خرد فرض است تا شجاعانه، ستیزه ی آشکار با بی هویتی فرهنگی موجود و نبرد با ترتیبات و تنظیمات پوچ و بی پایه ای را، که اینک به باورهای ملی در زمینه هایی متنوع بدل شده، آغاز کنند و بی هراس از این همه مبتلا و مشغول به تکرار و تبلیغ و تلقین مطالبی موهوم درباره ی هویت و هستی و دین و دارایی تاریخی ما، با درک و دریافت عمیق از واقعیاتی، که از هنگام آغشته شدن به معجون جعلیات دانشگاه های کنیسه و کلیسای غرب، مسخ و مذاب شده، با کوشندگانی همراه شوند که به صورت سپاهانی منفرد و یا در مجموعه هایی کم شمار، به میدان جنگ با دروغ نویسی های مورخین، باستان شناسان، مراکز ایران شناسی کثیف و کهنه شیدانی عازم اند که صد سال است در فضا و فرصتی بلا منازع، علیه هستی و هویت مردم ما و علیه فرهنگ قرآنی مسلمین، عریضه می کنند، دستگاه های رسمی و ملی و تبلیغاتی و رسانه ای کشور را تا هم امروز در اختیار دارند، کف بر لب، علیه این سپاه تازه رزم، با تمام توان به میدان آمده اند و بنا بر رسم و سنت دشمنان حقیقت، در این هجوم جدید و برای ایجاد ارباب فرهنگی، بی شرمانه و به شیوه ی یهودیان فقط بر حجم دروغ پردازی های خود افزوده اند!

مرکز و میدان و مقصد اصلی ستیز این ماموران کلیسا و کنیسه- که هزار سال است از تلاش علیه اسلام و پیامبر بزرگوار و نامانده و هرگز همانند صد سال اخیر در یکه تازی بی رقیب موفق نبوده اند- آلودن فرهنگ ملی ما، به این تصور واهی، بی منطق، نامنطبق با واقع و شوونیستی است که گویا ایران از زمان ظهور اسلام به قهقرا می رود، مسلمین عقب مانده اند و به فرمان قرآن، جز ریختن خون در تاریخ آدمی اثری نداشته اند. چنان که هنوز شاهدیم کسان بسیاری آشکارا قوم عرب را، که پیامبر والا مقام از میان شان برخاسته، جاهلانی مطلق و محض می گویند، زبان عرب را، که گزینه ای الهی برای بیان قرآن است، تحقیر می کنند، آموزه های الهی آن کتاب مبین را وام دار نبوغ و نبوت پنهان دیگرانی از قماش سلمان فارسی دروغین می شمارند و تاسف بزرگ آن جاست که دسته ای از همین ها به قرآن شناسی رو کرده اند تا از طریق ترجمه و تفسیرهای دل خواه و تاویل ها و تحریف های منحرف کننده، مسیر کهنه ی یهودیان را همچنان باز نگه دارند، متن کبیر قرآن را به منویات و منظورهای قوم گرایانه ی خود بیالابند، از جایگاه و در جای خداوند، کتاب سردمی او را چنان توضیح دهند که خداوند در قرآن پارسیان را بستاند، پیامبر به فارسی سخن بگوید و از این قبیل مضامین آلوده به کفر، که این جا و آن جا فراوان است. تاسف بزرگ تر این که همین سب کنندگان تمدن و توانایی های عرب و اسلام را، لمیده بر کرسی های استادی دانشگاه ها ملاقات می کنیم و طوماری از اسامی آن ها را در دست داریم که کلاس ها را علنا به تریبونی برای ستیزه با اسلام و قرآن تبدیل کرده اند!!! آیا آن ها به نبودن ناظری آگاه بر اعمال خود، در دستگاه فرهنگی این جمهوری، تا این اندازه واقف اند و یقین دارند؟؟!!

« یهودیان بسیار زیرک تر و مکارتر از این بوده اند که بخواهند در سیمای یهود دیگری مبادرت به اجرای نقشه های شوم خود کنند. از این رو عالم نمایان یهود با درآمدن به کسوت اسلام و جا زدن خود به عنوان مسلمانانی مقدس مآب، به نشر خرافات و ترهات خود در میان مسلمین پرداختند و با حسن ظنی که پاره ای از خلفا و حکام جور به آن ها داشتند، بازار دروغ پردازی های شان روز به روز رونق گرفت، از این فرصت مغتنم نهایت بهره را بردند و داستان های ساختگی خود را به نام تفسیر قرآن در میان مسلمانان پراکنده ساختند. اسراییلیات گسترها به همراهی سایر داستان سرایان و خرافه پردازان درباره ی زندگی پیامبران الهی افسانه های فراوانی ساختند به گونه ای که سرگذشت زندگی انبیبای عظام را هاله ای از گزافه گویی ها و دروغ پردازی ها احاطه کرده و همین افسانه های بی اساس در صدر اسلام، میان مسلمین سینه به سینه می گشت، تا این که در قرن دوم هجری که نهضت تفسیر نویسی آغاز شد، همین داستان ها و حکایت های خرافی که میان مردم شیوع یافته بود و به دست افرادی مغرض یا ساده اندیش و بی احتیاط، به صورت حدیث درآمد و به پیامبر اسلام و صحابه ی جلیل القدر رسول خدا همچون علی و ابن عباس و مانند ایشان نسبت داده شده بود، به کتب تفسیری راه یافت و تفاسیر قرآن را مشحون از این خرافات و داستان های موهوم و موهون ساخت که سوگمندان باید گفت این قبیل مجعولات تا این زمان نیز در میان بسیاری از

تفاسیر جای گرفته و گاه از ناحیه ی برخی کج اندیشان تلقی به قبول شده است» (حمید محمد قاسمی، اسراییلیات و تاثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر قرآن، ص ۲)

گرچه به نظر می رسد که آقای قاسمی هنوز بر وسعت نفوذ اسراییلیات در فرهنگ عمومی و باورهای کنونی مسلمانان تا آن اندازه مشرف و مسلط نشده اند تا همچون استاد بزرگوار و بی مانند، علامه ی کبیر و شیخ عالی مقام، مرتضی عسکری، « ۱۵۰ صحابه ی ساختگی» معرفی کنند و هنوز در این باورند که یهودیان بر مبنای موجودی سینه به سینه ی مسلمانان، در قرن دوم تفسیر قرآن نوشته اند و به این نقطه نرسیده اند که تمام ادعاهای وجود کتاب در جهان اسلام تا پیش از آغاز قرن چهارم یکسره جعل و در زمره ی تلقینات این ندیمی است و احتمالاً اشراف ندارند که خط عرب تا پایان قرن سوم اقتدار و استحکام و امکان کتاب نویسی را تا آن حد نداشته است که نخستین قرآن های مدون و محکم و به صورت کتاب را تنها از اواخر قرن چهارم هجری سراغ کرده ایم و احتمالاً هنوز به این یقین نرسیده اند که هیچ مکتوب پیش از قرن چهارم هجری را نمی توان بدون کارشناسی ناقدانه و بدون ظن جعل، به فهرست فرهنگ اسلامی وارد کرد، اما با این همه، تذکر ایشان در این باب که تفسیر نویسی بر قرآن مبین، تا هم امروز، ملهم و متأثر از موهومات و موهونات یهودیان و در کار پراکندن اباطیل آنان در پیکره ی کتاب عظیم خداوند است، از ظهور باب تازه ای از عقلانیت سخت گیر و دشمن شناسانه در تحقیقات اسلامی خبر می دهد، بابی که با این اشارات چراغ سان علامه ی عسگری به راه مسلمین گرفته و گشوده شده است:

« آن قدر در حدیث و سیره ی پیامبر، دروغ و افسانه های زننده انباشته شده است که با وجود آن ها پی بردن به اسلام صحیح در حد محال و وجود آن احادیث دروغ باعث آن است که اسلام بد آموخته شود» (مرتضی عسکری، ۱۵۰ صحابه ی ساختگی، ص ۲۲)

«اینک به تعیین و یقین می توان نادرست بودن بسیاری از داده ها را درباره ی حوادث صدر اسلام به اثبات رساند و از طریق غور در مطالب کتاب هایی که در کار فرقه سازی و تفرقه افکنی میان مسلمین بوده است، معلوم کرد که نه فقط نویسندگان بسیاری از این کتب، یهودیان به سیمای متفکران اسلامی در آمده اند، بل بخش عمده ای از این اسامی و آثار مطلقاً هویت تاریخی ندارند و همچون فهرست ابن ندیم، در اصل و فرع ساخته ای از کارگاه های جدید در مکتب و صنعت جعل، در زیر زمین دانشگاه ها و موزه های کنیسه و کنیسه ای غرب و یا مستقیماً در زمره ی سوغات و صنایع دستی اورشلیم اند، مصنوعاتی که تاکنون اصل آن ها به رویت هیچ کس نرسیده است.» یا آن چه از دروغ پردازی و افسانه سازی و انواع تحریف در احادیث سیف دیده ایم، احادیث او در متون اسلامی جای وسیعی برای خود باز نموده، در مدارک به اصطلاح معتبر اسلامی راه یافته و علمای بزرگ افسانه ها و احادیث او را با همه ریزه کاری های اش در کتب خود آورده اند. ما در این فصل برای نمودن این حقیقت تلخ و شگفت انگیز فهرست علمایی را که از سیف حدیث گرفته اند و همچنین فهرست کتب و مدارکی را که احادیث وی در آن ها راه یافته است، می آوریم.» (مرتضی عسکری، ۱۵۰ صحابه ی ساختگی، ص ۱۰۰)

فهرستی را که علامه عسکری در ذیل این مقدمه می آورند، برای نقل در این وبلاگ، گرچه بسیار مطول است، اما از آن که ما را با کثرت و جامعیت و جلوه ی عام و وفور جعلیات در فرهنگ اسلامی، تا اندازه ای آشنا می کند و از جبروت نام های کلانی می کاهد که در گمان کسانی از استوانه های تدوین و تبلیغ و تحکیم فرهنگ اسلام اند، آن را به صورت مختصر شده، تنها با ذکر نام مولف و بدون اشاره به سال حیات و یا تالیفات آن ها در این جا می آورم تا کسانی را که به کتاب استاد عسکری دست رسی ندارند به کار آید و آنان که کتاب را می شناسند، شرح مفصل آن را در صفحه ی ۱۰۰ تا ۱۰۴ آن کتاب بیدار ساز خواهند یافت: «البغوی، ابن قانع، ابو علی بن السکن، ابن شاهین، ابن منده، ابونعیم، ابن عبدالبر، عبدالرحمان بن منده، ابن فتحون، ابوموسی، ابن اثیر، الذهبی، ابن حجر، ابوزکریا، ابوالشیخ، حمزة بن یوسف، ابونعیم، ابوبکر خطیب، ابن عساکر، ابن بدران، ابن حزم، سمعانی، مقدسی، ابن اثیر، رازی، ذهبی، ابن حجر، ابن الفقیه، حموی، عبدالرحمان، حمیری، ابومخنف، نصر بن مزاحم، شیخ مفید، ابن خیاط، بلاذری، طبری، ابن اثیر، ابن کثیر، ابن خلدون، سیوطی، ابن کلبی، ابن اعرابی، العسکری، غندجانی، ابونعیم، بلقینی، قلقشندی، اصبهانی، ابن برون، ابن منظور، زبیدی، ترمذی، النجیری، ابن حجر، متقی هندی، عقیلی، ابن جوزی و سیوطی .

این تقریباً تمامی نام های معتبر در معرفی فرهنگ و تاریخ و ادب اسلامی، تا قرن دهم هجری است که استاد عسکری آن ها را متابعین از جا علین یهود معرفی می کند. ایشان در عین حال، شاعران ظاهراً بزرگ و نام داری چون مرزبانی، دارقطنی، ابوبکر خطیب، ابن ماکولا، رشاطی و ابن الدباج را مخلوق ذهن سیف یهودی می شمارد و در پایان با افزودن جمله ی « و هزاران کتاب دیگر از مولفین متقدم و متاخر و مستشرقین و اسلام شناسان غربی » دفتر فرهنگ مجعولات اسلامی را به گونه ای می بندد که ما را موظف و مجاب می کند تا دست از رسم تعصب و

تلقین بشوئیم، به نو اندیشی حفاظت گرانه از اسلام، پرهیز از مکاشفات مهمل این مکتوبات و توسل مطلق و محض و منفرد به مطمئن و متین ترین سند این تنها دین الهی، یعنی قرآن عالی بیان روی آوریم.

اینک می خواهیم بگوئیم که حتی فهرست استاد عسکری نیز نواقص خود را دارد که به آن خواهیم پرداخت و بگوئیم که عرضه و ارائه کنندگان اطلاعات تاریخی و فرهنگی در آلودن اسلام به جدال و خون ریزی چه گونه استادانه و به گونه ای عمل کرده اند که اینک و در اثر ابتلا به ویروس دروغ سازی یهودیان، کافر کشی عام را، در زمره ی افتخارات مسلمین می انگاریم و بی اعتنا به توصیه های قرآن، گمان داریم که پیامبر خدا و یاران اش، دمی از ایام دعوت را، بی ضربه ی شمشیر برگزار نکرده اند، چنان که می گویند و می نویسند از زمان وفات پیامبر رفیع مرتبه تا پایان فتوحات اسلامی نیز، انتشار اسلام جز با توسل به تیغه ی شمشیر برگزار نشده است!!!

کار این بی اعتنایی جسورانه به آموزه های قرآنی، در روزگار ما، تا آن جا گسترش یافته است که در حکومت اسلامی، آشکارا و با ربی مضاعف بر نرخ یهودیان، از مسلمین ربا می گیرند، در عین حال که قرآن مبارک شعر گویی و شعر خوانی را پیروی از رسم شیطان می شمارد، لجوجانه حتی کتاب خدا را هم به شعر در می آورند و بی توجه به فرمان الهی که تکلیف می کند، از زمانی معین، پیروان تورات و انجیل را مشرک و نجس بشماریم و از آن ها جزیه بگیریم، نه فقط به چند هزار یهودی و مسیحی در مجلس شورای اسلامی کرسی نمایندگی می دهند، بل با نام گذاری زردشتی بر چند هزار گیر دیگر، که در عرش انگلستان و با «تراب» یهودیان ساخته شده اند و دین و پیامبر و کتاب شان قلابی است، برای آن ها با عنوان ایرانیان کهن پیرو راست کرداری در مجلس مسلمین مسند می گذارند تا علاوه بر این همه کاغذ که در طلب کاری از مسلمین سیاه و این همه تبلیغات آزاد ضد اسلام که اعمال می کنند، فرصت استفاده از تریبون قانون گذاری و رسمی کشور را نیز از دست ندهند و اگر بهانه می آورند که در روزگار ما به جای تبعیت از فرامین قرآن، باید که فضای دموکراتیک جهانی را منظور کنیم، آن گاه بپرسید اگر به ازای چند هزار تابع اوستا و تورات و انجیل، در مجلس اسلامی یک کرسی و تریبون قرار می دهید، پس برای میلیون ها مسلمان ساکن آلمان و فرانسه و انگلستان و آمریکا در این دموکراسی قلابی و ادعایی، که چشم و گوش شما را از قرآن برگردانده است، چند کرسی پارلمانی مقرر است!!! و اگر بار دیگر بهانه بگیرند که خداوند در قرآن ما را به رعایت دیگران موظف شمرده، پس پاسخ بخواهید آن گاه که از این همه دستور موکد و مهم قرآنی اعراض می کنید و سر باز می زنید، اگر ریگی به کفش ندارید، چرا فقط رعایت حال یهودیان و گبران را از یاد نمی برید، واجب می شمارید و مشمول رعایت قرآنی قرار می دهید!!!

(ادامه دارد)